

عنوان و مشخصات این پایان نامه

نقش واسطه‌ای تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی

تعداد صفحه : ۹۸

نوع فایل : Word - PDF

منابع فارسی و لاتین : دارد

سال نگارش : امسال جدید

تعداد فصل : ۵ فصل استاندارد با ضمائم و پرسشنامه‌ها

شماره فایل: ۴۰۸۱۳

خرید مستقیم فایل word این پایان نامه و دانلود فوری

نقش واسطه‌ای تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. در چنین نظامی، افراد به وسیله علایق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا، و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند. ورود به چنین نظام سازمان‌یافته‌ای صرفاً از طریق تولد، فرزندخواندگی، یا ازدوج صورت می‌گیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۲۰۰۷؛ ترجمه حسین شاهی برواتی و نقشبندی، ۱۳۹۲).

خانواده یکی از عوامل مهمی است که نقش عمده‌ای در تأمین سلامت اجتماعی و پیشگیری از مشکلات اجتماعی و اختلال‌های روانی دارد. بنابه هر دلیلی، ممکن است خانواده تعادل خود را از دست بدهد. خانواده ایرانی امروزه در معرض بسیاری از تغییرات ساختاری و کارکردی قرار گرفته که همین امر روابط موجود در میان اعضای خانواده را دگرگون نموده و در نتیجه قوی‌ترین پیوندهای انسانی در مستحکم‌ترین قرارگاه آن، یعنی نظام خانواده در معرض تهدید قرار گرفته است (عامری، نوربالا، اژهای و رسولزاده طباطبائی، ۱۳۸۲).

یکی از عواملی که می‌تواند بر کیفیت تعاملات زناشویی زوجین موثر باشد تعهد زناشویی^۲ است. تعهد زناشویی، قویترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (موسکو^۳، ۲۰۰۹). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر،

¹ Goldenberg & Goldenberg

² marital commitment

³ Mosko, J

مهارت های حل مسئله مناسب تر و رضایت زناشویی رابطه دارد (مسترز^۱، ۲۰۰۸؛ کاپینوس و جانسون^۲، ۲۰۰۳؛ تیلگمن^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). در پژوهش ولچ و جانسون^۴ (۲۰۰۳) نیز ۸۳٪ افراد شرکت کننده، علت اصلی طلاق خود را نبود تعهد در رابطه زناشویی خود اعلام کردند. بدون تعهد رابطه، سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود (تبعه امامی، ۱۳۸۲). تحقیقات نشان می دهد زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده اند و رفتاری دوسوگرایانه دارند در ازدواج و در رابطه با دیگران دچار مشکل می شوند و غالباً نتیجه ی امر بی وفایی خواهد بود (کالهن^۵، ۲۰۰۴؛ انجلیس^۶، ۲۰۰۵؛ ترجمه ابراهیمی، ۱۳۸۴). اگر چه دانستن نتایج تعهد زناشویی اهمیت دارد، آن همچنین مهم است که پیش آیندهای تعهد زناشویی را نیز مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی صورت می گیرد.

۲-۱. بیان مسئله

ازدواج مهم ترین قرارداد زندگی هر فرد محسوب می شود. انسان ها به دلایل مختلفی ازدواج می کنند. در کنار تمایلات جنسی که از مسائل اولیه است، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی نیز برخی از عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می شوند (هریس^۷، ۲۰۰۶). هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است. واژه تعهد و پابندی به معنای تصمیمی عقلانی است که مستلزم مقید بودن فرد به اعمال خاصی می باشد و یا حالتی دال بر وابستگی عاطفی یا عقلانی بر ایده الی می باشد (گود^۸، ۲۰۰۵، ترجمه داورپناه، ۱۳۸۴). تعهد زناشویی به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، خوشی و ناخوشی، و تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر پایه ی قصد و نیت می باشد (مک

¹ Masters, A

² Kapinus, C. A., Johnson, M. P

³ Tilghman-Osborne, C

⁴ Welch, B. L., Johnson, C, A

⁵ Calhoun, C

⁶ Angelis

⁷ Harris, V, W

⁸ Good

کانی^۱، ۱۹۹۹). آدام و جونز تعهد زناشویی را بر مبنای سه اصل رضایت زناشویی، احساس وظیفه جهت ادامه دادن به رابطه و وحشت از پیامدهای ناگوار پایان دادن به ازدواج دانسته اند (موسکو^۲، ۲۰۰۹). بر همین اساس کاپینوس و جانسون (۲۰۰۳) سه نوع تعهد زناشویی را مشخص کردند: ۱- تعهد به همسر (فداکاری)، که به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه است و سه عامل در آن دخیل است: افراد موجود در رابطه، جذب رابطه شدن و هویت زوج ها. ۲- تعهد اخلاقی (تعهد به ازدواج)، عملی است که فرد اخلاقاً متعهد می شود به رابطه ادامه دهد و شامل اعتقاد به این ارزش ها است: عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و حفظ ازدواج به عنوان یک مسئولیت مقدس. ۳- تعهد اجباری (حس در دام افتادن)، که به معنای ادامه دادن اجباری به ازدواج به خاطر وضعیت فرزندان، مسائل مالی و ... است.

مطالعات نشان می دهند که عوامل فردی، زوجی و محیطی بسیاری بر تعهد زناشویی تاثیر می گذارند. در میان عوامل زوجی، تعارض میان زوجین، رضایت زناشویی و عشق، از منابع مهم تاثیر گذار بر تعهد هستند (ایتو و ساگارا^۳، ۲۰۱۶).

پژوهش ها نشان داده است که راهبردهای مقابله ای که زوجین در حل تعارض های زناشویی استفاده می کنند نقش مهمی در افزایش سازگاری زناشویی و به طبع آن تعهد زناشویی دارد (حسینی دولت آبادی و سعادت، ۱۳۹۴). مقابله به عنوان فرایند روان شناختی، به کوشش های شناختی و رفتاری اشخاص برای حل و فصل شرایط استرس زا، گفته می شود. مقابله در بر گیرنده تلاش ها، اعم از کنش محور و درون روانی، برای اداره و کنترل تقاضاهای محیطی، دورنی و کشمکش میان آنها است و دو کارکرد مهم دارد: تنظیم هیجان های ناگوار و در پیش گرفتن کنشی برای تغییر و بهبود مساله ای که باعث ناراحتی شده است (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) دو روش مقابله با استرس را شناسایی کرده اند که عبارتند از: مقابله های متمرکز بر مسئله، که فعالیت های مستقیم مبتنی بر محیط و خود را در جهت رفع یا تغییر شرایطی که به عنوان تهدید ارزیابی می شوند در بر می گیرد، و مقابله های متمرکز بر هیجان، شامل فعالیت ها یا افکاری است

¹ MacCarthey, B

² Moscow

³ Ito, Y., & Sagara, J

که برای کنترل احساسات نامطلوب ناشی از شرایط استرس زا استفاده می شوند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴).

لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) معتقدند که اگر افراد موقعیت های استرس زا را قابل کنترل بدانند، بیشتر از مقابله متمرکز بر مسئله استفاده می کنند و در نتیجه از سلامت روانی بهتری برخوردارند. در غیر اینصورت به مقابله متمرکز به هیجان روی می آورند و سلامتی آنها در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت.

پژوهش ها نشان داده است که راهبردهای مقابله ای مسئله مدار نقش مهمی در پیش بینی تعهد زناشویی و رضایت زناشویی دارد (حسینی دولت آبادی و سعادت، ۱۳۹۴). اتخاذ راهبردهای مسئله مدار به زوجین کمک می کند تا شیوه های مناسبی را برای حل تعارض های زناشویی بکار ببرند. فراتحلیل ها نشان داده است که استفاده از راهبردهای مقابله دار هیجان مدار و اجتناب مدار مثل نادیده گرفتن مسئله، درون ریزی، اجتناب و سرزنش خود و همسر آسیب جبران پذیری به زندگی زناشویی وارد می کند و باعث ایجاد نارضایتی زناشویی و در نهایت جدایی عاطفی و قانونی در زوجین شد (هیو، جیانگ و وانگ^۱، ۲۰۱۸). اتخاذ این راهبردها می تواند تعهد زناشویی زوجین را نیز کاهش دهد. با توجه به پژوهش های فوق به نظر می رسد راهبردهای مقابله ای از جمله عوامل پیش بینی کننده تعهد زناشویی باشد. به هر حال علی رغم بررسی های فراوان ذکر شده راجع به رابطه راهبردهای مقابله ای و تعهد زناشویی، نقش عوامل واسطه ای دخیل در این رابطه اغلب مورد غفلت واقع شده است که پژوهش حاضر نقش تصمیم گیری را به عنوان میانجی گر این ارتباط مورد بررسی قرار می دهد.

یکی از مهم ترین متغیرهایی که به نظر می رسد نقش واسطه ای بین راهبردهای مقابله ای و تعهد زناشویی داشته باشد، تصمیم گیری^۲ است. تصمیم گیری یکی از مهم ترین فرایندهای شناختی در زندگی افراد محسوب می شود. تصمیم گیری فرآیندی است که سه مولفه را دربر می گیرد. اول، فرایند ارزیابی گزینه های موجود. دوم، انتخاب یک گزینه براساس ارزشی که آن گزینه دارد. و سوم، ارزیابی پیامدهای مرتبط با گزینه انتخاب شده و تبدیل آن به دانشی که به تصمیم های بعدی کمک می کند

¹ Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X.

² decision making

(لرنر، والدسولو و کاسم^۱، ۲۰۱۵). انتخاب راهبردهای مقابله‌ای تکلیف‌مدار به زوجین کمک می‌کند تعارض‌های زناشویی خود را حل و فصل نمایند. از طرفی، پژوهش‌ها نشان داده است افزایش تعارض‌های زناشویی میزان وفاداری زوجین را کاهش می‌دهد و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به رابطه زناشویی و بنیان خانواده وارد می‌کند و مهارت تصمیم‌گیری نقش مهمی در حل تعارض‌های زناشویی دارد (لاونر، کارنی، ویلیامسون و برادبوری^۲، ۲۰۱۷). زوجینی که به هنگام وقوع تعارض‌های زناشویی و مواجهه شدن با موقعیت‌هایی که احتمال خیانت و عدم‌پایندی به تعهد زناشویی را افزایش می‌دهد با ارزیابی شناختی پیامدهای شیوه مقابله، تصمیم می‌گیرند راهبردهای تکلیف‌مدار را انتخاب می‌کنند میزان آسیب‌های روانشناختی، فردی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال‌ها است که :

آیا بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد؟

آیا بین تصمیم‌گیری و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد؟

آیا بین راهبردهای مقابله‌ای و تصمیم‌گیری رابطه وجود دارد؟

آیا تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی نقش واسطه‌ای دارد؟

۳-۱. اهمیت و ضرورت

خانواده واحد اجتماعی است که وجود آن برای رشد و تحول اعضا مختلف خود و جامعه ضروری است. نخستین گام به منظور بهبود بخشیدن به روابط خانوادگی سالم، برنامه‌های آموزشی و پیشگیری زودهنگام است، بدون مراقبت، آموزش و آگاه‌سازی اعضای این واحد اجتماعی مهم، رشد و تحول عاطفی، فکری، انگیزشی و فرایندهای یادگیری که لازمه سازگاری و انطباق پویا در درون نظام خانواده و بیرون از آن به شمار می‌رود، امکان پذیر نخواهد بود و اعضا در نظام خانواده دچار ناهنجاری خواهد شد (کارگر، ۱۳۸۹).

¹ Lerner, J. S., Li, Y., Valdesolo, P., & Kassam, K. S.

² Lavner, J. A., Karney, B. R., Williamson, H. C., & Bradbury, T. N.

خانواده در زمره مهمترین سیستمهای اجتماعی است که براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام و شفادهندگی و تغییر و تحول آسیب ها و عوارض است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش می باشد (شجاع کاظمی و سیف، ۱۳۸۹).

علاوه بر آن، خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی و عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضا آن ها و تجهیز شدن به تکنیک ها و شناخت تمایلات زیستی و روانی ضرورتی انکار ناپذیر می باشد که در غیر اینصورت موجب بروز مشکلات روانی و ارتباطی در بین اعضای خانواده می باشد که در صورت ادامه این وضعیت موجب از هم پاشیدگی خانواده می شود (عدالتی، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر، یکی از اهداف مداخلات پیشگیرانه افراد از طریق تغییر در پاسخ مقابله ای و تنظیم شناختی و هیجان ها است (بوتلر^۱ و کاروچی^۲، ۲۰۰۷). در یک محیط مشابه اجتماعی، بعضی اشخاص توانایی مقابله با مشکلات و موقعیت های چالش انگیز را خیلی زود از دست می دهند و دچار استرس، اضطراب می شوند، در حالی که عده ای دیگر به راحتی قادرند از پس این موقعیت ها برآیند و بدون عارضه خاصی مشکل را برطرف نموده و یا پشت سر گذارند. هر اندازه این ظرفیت بالاتر یا بیشتر باشد، به همان اندازه شخص قادر خواهد بود سلامت روانی و اجتماعی خود را در سطح بهتری نگه دارد و به شیوه ای مثبت، سازگارانه و کارآمدتر به حل و فصل مشکلات خویش بپردازد. بنابراین انتخاب یک راهبرد مقابله ای کارآمد در ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری، بر ارتقای سلامت روانی و جسمانی فرد اثر گذار است (کمپبل - سیلس و همکاران، ۲۰۰۶).

همچنین، مواردی که در ذیل به آن اشاره شده دلیل بر اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق بوده است:

-نیاز به بررسی نقش واسطه ای تصمیم گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله ای و تعهد زناشویی ؛

-درک روابط این سازه ها می تواند در طراحی مداخلاتی برای تعهد زناشویی کمک کننده باشد.

-عدم وجود پژوهشی جامع در این حوزه؛

-ایجاد زمینه برای انجام پژوهش های بیشتر همه جانبه در این حوزه.

¹ Butler, J

² Ciarrochi, A

نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند چشم‌اندازی روشن و عملی برای مشاوران و روان‌درمانگران و خصوصاً خانواده درمانگران فراهم نماید. به‌علاوه، نتایج پژوهش می‌تواند مبنای نظری و عملی مناسبی برای بهبود تعهد زناشویی در مؤسسات مختلف آموزشی و درمانی از قبیل مراکز مشاوره در دانشگاه‌ها، کلینیک‌ها و غیره قرار گیرد. لذا نقش واسطه‌ای تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی ضرورت پیدا نمود.

۴-۱. اهداف

هدف کلی

تعیین نقش واسطه‌ای تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی

اهداف جزئی

۱. تعیین رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی

۲. تعیین رابطه بین تصمیم‌گیری و تعهد زناشویی

۳. تعیین رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تصمیم‌گیری

۵-۱. فرضیه‌ها

فرضیه کلی

تصمیم‌گیری در رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی نقش واسطه‌ای دارد.

فرضیه‌های جزئی

۱. بین راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد.

۲. بین تصمیم‌گیری و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد.

۳. بین راهبردهای مقابله‌ای و تصمیم‌گیری رابطه وجود دارد.

۱-۶. متغیرهای تحقیق:

متغیر برون‌زا: راهبردهای مقابله‌ای

متغیر درون‌زا: تعهد زناشویی

متغیر واسطه‌ای: تصمیم‌گیری

۱-۷. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

تعهد زناشویی

تعریف مفهومی: تعهد زناشویی به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، خوشی و ناخوشی، و تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر پایه ی قصد و نیت می باشد (مک کانی، ۱۹۹۹).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر منظور از تعهد زناشویی نمره ای است که آزمودنی ها از پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۶) کسب می کند.

راهبرد های مقابله با استرس

تعریف مفهومی: مقابله به عنوان فرایند روان شناختی، به کوشش های شناختی و رفتاری اشخاص برای حل و فصل شرایط استرس زا، گفته می شود. مقابله های متمرکز بر مسئله، که فعالیت های مستقیم مبتنی بر محیط و خود را در جهت رفع یا تغییر شرایطی که به عنوان تهدید ارزیابی می شوند در بر می گیرد، و مقابله های متمرکز بر هیجان، شامل فعالیت ها یا افکاری است که برای کنترل احساسات نامطلوب ناشی از شرایط استرس زا استفاده می شوند (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش منظور از راهبردهای مقابله ای نمره ای است که فرد از پرسشنامه شیوه های مقابله با استرس لازروس و فولکمن (۱۹۸۵) کسب می کند.

تصمیم‌گیری

تعریف مفهومی: عبارتست از پیش‌بینی و ارزیابی نتایج از راه‌حل‌های موجود و انتخاب قطعی یک راه‌حل برای رسیدن به هدف (زارعیان ۱۳۸۵).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش منظور از تصمیم‌گیری نمره‌ای است که فرد از خرده‌مقیاس تصمیم‌گیری از مقیاس خودگزارشی فرایند خانواده (SFPS Scale) سامانی و همکاران (۲۰۰۸) کسب می‌کند.